

بررسی کاربرد دشواژه‌ها در گفتار گویشوران زبان ترکمنی

تهمینه شیخی*

چکیده

تجربه زندگی اجتماعی به ما آموخته است که، اگر بخواهیم در برخوردهای اجتماعی خود موفق باشیم، باید رفتار اجتماعی خاصی، متناسب با موقعیت مورد نظر و متناسب با رابطه اجتماعی خود با دیگران در آن موقعیت، داشته باشیم. در واقع آنچه ما رفتار اجتماعی مناسب می‌نامیم، در اکثر موارد، صرفاً رفتار زبانی مناسب است. رفتار زبانی مناسب یعنی تشخیص این‌که در هر موقعیت اجتماعی چه باید گفت و چه نباید گفت. دشواژه‌ها نیز از آن دسته واژه‌هایی هستند که در هنگام استفاده از آن‌ها باید به این امر توجه نماییم. در این مقاله، کاربرد دشواژه‌ها در گفتار گویشوران زبان ترکمنی بررسی شده است. نتایج بررسی نشان داد که میان میزان کاربرد دشواژه‌ها و جنسیت و سن گویشوران رابطه معناداری وجود دارد.

کلیدواژه‌ها: ادب، تابو، دشواژه، بافت اجتماعی، جنسیت، سن.

مقدمه

ادب (politeness) به‌طور عمده و البته نه منحصرأ رفتاری است زبانی. جولین هاوس (House, 2005: 13-14) معتقد است که ادب یکی از بنیادی‌ترین رهنمودها و توصیه‌های اجتماعی - روانی برای رفتار انسانی و، به‌عبارت دیگر، یکی از اساسی‌ترین بخش‌های تعاملات انسانی است. به‌نظر او، گفتار مؤدبانه شیوه‌ای بی‌نشان در سخن گفتن است که، چون هنجار و مورد انتظار است، بدون توجه از آن می‌گذریم. اما ادب افراطی (over politeness) و بی‌ادبی (impoliteness) نشان‌دار است، به‌چشم

* دانشجوی دکتری زبان‌شناسی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی sheikhi@ihcs.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۳۹۰/۵/۱، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۰/۷/۷

می‌خورد و مورد توجه قرار می‌گیرد. بنابراین، ادب هنجاری رفتاری است برای گوینده و نه برای گفته. نشان‌گرهای ادب در زبان‌ها متنوع و متعدد هستند و میزان کاربرد آن‌ها در رفتار زبانی و غیرزبانی گویشوران با عواملی مانند رسمیت بافت (context)، فاصله اجتماعی (social distance)، قدرت (power)، صمیمیت (intimacy) و هم‌بستگی (solidarity) مرتبط است (Modarresi Tehrani, 2009: 321-323). از آن‌جاکه مقوله «ادب» حوزه‌ای بسیار گسترده است و ابعاد گوناگون و مؤلفه‌های پیچیده‌ای را در بر می‌گیرد، در این پژوهش، تنها یکی از نشان‌گرهای زبانی ادب/بی‌ادبی، یعنی «دشواژه‌ها» (linguistic taboo)، در میان گویشوران زبان ترکمنی بررسی می‌شود. سؤال پژوهش حاضر این است که آیا میان میزان کاربرد دشواژه‌ها و جنسیت و سن گویشوران زبان ترکمنی رابطه معناداری وجود دارد یا خیر؟

در ادامه، پیش از شروع بحث، ابتدا، دو پژوهش، که در زمینه دشواژه‌ها در ایران انجام شده است، معرفی می‌شود، آن‌گاه اصطلاح تابو/دشواژه معنی و انواع آن بررسی می‌گردد. نوشین شکبیا (۱۳۸۱) در پایان‌نامه خود با عنوان «تأثیر بافت اجتماعی بر کاربرد دشواژه‌ها توسط زنان و مردان تهرانی» به بررسی ارتباط میان متغیرهای اجتماعی (جنسیت، سن و تحصیلات) و برخی دشواژه‌ها در گفتار فارسی‌زبانان تهرانی پرداخته است. نتایج به‌دست آمده در این پژوهش بیان‌گر آن است که در جامعه فارسی‌زبان تهرانی گفتار زنان و مردان در به‌کارگیری دشواژه‌ها با هم متفاوت است. مردان برخی دشواژه‌های خاص گروه خود را دارند و برخی دشواژه‌ها در هر دو گروه زنان و مردان استفاده می‌شود. گروه زنان حساسیت بیش‌تری نسبت به رفتار زبانی خود دارند و، در نتیجه، ویژگی‌هایی که اعتبار اجتماعی چندانی ندارند، در گفتار آن‌ها، کم‌تر وجود دارد. در نهایت این که گوناگونی‌های زبانی، که کم‌وبیش در تمام زبان‌ها وجود دارد، در زبان فارسی نیز یافت می‌شود و با متغیرهای غیرزبانی مانند جنسیت، سن و تحصیلات ارتباط دارند.

ابهریان آزادی (۱۳۸۹) نیز در پایان‌نامه خود به‌واژه‌ها و دشواژه‌ها در دو زبان فارسی و ترکی آذربایجانی را بررسی کرده است. وی در این پژوهش، علاوه بر بررسی ارتباط مؤلفه جنسیت با کاربرد به‌واژه‌ها و دشواژه‌ها، تأثیر عوامل اجتماعی دیگری از جمله، قومیت، تحصیلات، وضعیت اقتصادی، حوزه معنایی و حوزه کاربردی را نیز در کاربرد متغیرهای زبانی (به‌واژه‌ها و دشواژه‌ها) مطالعه کرده است. ابهریان، پس از بررسی داده‌های به‌دست آمده، به این نتیجه رسیده است که میان جنسیت، قومیت، حوزه معنایی، حوزه کاربردی و

میزان کاربرد به‌واژه‌ها و دشواژه‌ها و نیز میان عامل اجتماعی تحصیلات و میزان کاربرد به‌واژه‌ها رابطه معناداری وجود دارد اما این رابطه معنادار میان سطح تحصیلات و میزان کاربرد دشواژه‌ها وجود ندارد؛ هم‌چنین میان عامل اجتماعی، وضعیت اقتصادی و میزان کاربرد به‌واژه‌ها رابطه معناداری وجود دارد، درحالی‌که میان وضعیت اقتصادی و میزان کاربرد دشواژه‌ها رابطه‌ای وجود ندارد.

تابو/ دشواژه

لفظ تابو از زبان‌های پولینزیایی (Polynesian)، از جمله تونگان (Tongan) و فی‌جایی، به معنای «ممنوع» یا «قدغن» گرفته شده است (آرلاتو، ۱۳۸۴: ۱۰۷). در عربی معادل دقیق آن «حرام» (حرام هم صفت «مقدس» و «محترم» را می‌رساند هم معنی «پلید» و «نجس» را) است که همانند خود اصطلاح تابو دو مفهوم مختلف و متضاد دارد. با توجه به آن‌که کلمه تابو ممکن است برای فارسی‌زبانان معرف معنای دقیق آن نباشد، در فارسی، برای آن معادل «دشواژه» پیشنهاد شده که «دُش» به معنای «بد» است و این کلمه می‌تواند معرف مفهوم «بد» نهفته در دشواژه باشد (شکیبا، ۱۳۸۱: ۱۶).

تابو در مفهوم عام به کلیه رفتارهای اجتماعی ممنوع اطلاق می‌شود. هر جامعه برای ارزش‌نهادن به برخی رفتارها یا ضد ارزش تلقی‌کردن آن‌ها معیارهایی دارد که ممکن است با معیارهای جوامع دیگر متفاوت باشد. جامعه ما نیز از این قاعده مستثنا نیست و اصول اخلاقی حاکم بر آن ممنوعیت‌هایی را در رفتارهای اجتماعی قائل می‌شود و نقض این ممنوعیت‌ها در انظار اکثریت مردم بار منفی ویژه‌ای در بردارد (معدنی، ۱۳۷۸: ۶۵).

واردف (Wardhaugh, 1992) معتقد است که شرایط اجتماعی باعث می‌شود تابوها شکل بگیرند، زیرا مردم اعتقاد دارند که چنین چیز نامطلوبی برای آن‌ها نتایج زیان‌آوری به‌بار خواهد آورد، خواه به‌علت این‌که این رفتار زبانی یا غیرزبانی معیاری را، که براساس باورهای فوق طبیعی بنا شده، نقض کند یا به قوانین اخلاقی جامعه آسیب رساند. وی تابو را چیزی خاص تعریف می‌کند که در زبان از گفتن آن پرهیز می‌شود و آن را روشی می‌داند که جامعه، با پیروی از آن، مانع از رفتارهایی می‌شود که ممکن است به‌علت موضوع‌های ماوراء طبیعی باشد یا یک اصل اخلاقی که برای اعضای آن جامعه مضر است. در نتیجه تا جایی که به زبان مربوط می‌شود، آن چیزهای معین نباید گفته شود یا به آن‌ها نباید اشاره شود، مگر در شرایطی خاص.

در حالت کلی، می‌توان چنین استدلال کرد که میزان استفاده از دشواژه‌ها، با در نظر گرفتن ارتباط گوینده و شنونده و بافت اجتماعی، متغیر است. مثلاً، در جاهایی مانند کلیسا، مسجد و نیز در برنامه‌های تلویزیونی و سر میز شام از کاربرد برخی کلمات خودداری می‌شود، در حالی که در قمارخانه‌ها، اتاق‌های رختکن، زمین‌های ورزشی و نیز محاورات دوستانه استفاده از آن‌ها منعی ندارد و آزادانه ادا می‌شوند.

دشواژه‌ها را افراد بیش‌تر در حالت خشم و عصبانیت به کار می‌برند. البته به این مسئله نیز باید توجه کرد که طرز بیان یک کلمه و همین‌طور اشارات دست و حرکات صورت در تعبیر معنای کلمه تأثیر دارد. به نظر کامرون (Cameron, 1969) میزان استفاده از دشواژه‌ها به شغل افراد و حساسیت آن‌ها، میزان آزدگی فرد از موضوعی، فاصله سنی شنونده و گوینده بستگی دارد؛ مثلاً، اگر یک طرف محاوره بچه یا فرد مسنی باشد، از دشواژه‌هایی که اثر ضعیف‌تری دارند استفاده می‌شود.

انواع تابو در زبان‌ها

به‌طور کل تابوها در دو دسته جای می‌گیرند:

۱. تابوهای غیرزبانی. شن (Shen, 1993) بر این عقیده است که ما می‌توانیم دشواژه‌ها را در تمامی جوامع از باستان تا امروز در هر سطح تمدنی بیابیم و در واقع اعضای هر جامعه، با توجه به آموزش‌های جسمی، روانی، یاد گرفته‌اند که به برخی هنجارها به دیده احترام بنگرند. از نمونه، می‌توان به تفاوت در نحوه پوشیدن لباس اشاره کرد: غربی‌ها و ایرانی‌ها برای مراسم خاک‌سپاری لباس سیاه بر تن کرده و لباس سفید را در مراسم ازدواج می‌پوشند، اما، در مراسم ازدواج چینی‌های باستان، پوشیدن لباس سفید تابو بوده چراکه آن را در هنگام خاک‌سپاری می‌پوشیدند و بعدها به جای پوشیدن لباس سیاه، برای مراسم عروسی، لباس قرمز و اکنون نیز، تحت تأثیر غربی‌ها، لباس سفید باب شد (شکیبا، ۱۳۸۱: ۱۷).

۲. تابو یا دشواژه‌های زبانی. مطالعات انجام شده حاکی از آن است که تابه‌حال دو نوع تابوی زبانی در میان زبان‌ها مشاهده شده است: تابوی افراطی و تابوی غیرافراطی. منظور از تابوی افراطی - که بسامد آن در زبان‌ها کم و اندک است - حالتی است که در آن کل یک زبان تابو می‌شود و در واقع کاربرد آن زبان به‌خصوص به موقعیت‌های خاص محدود می‌گردد. مثلاً زبان دایربال (Dyirbal) دارای دو گروه واژگان جداگانه است: زبان عادی و

زبان مادرشوهر. زبان عادی در کلیه ارتباطات روزانه، جز در مواردی که شخص با مادرشوهر یا مادرزن خود یا درباره او سخن می‌گوید، به کار گرفته می‌شود.

منظور از تابوی غیرافراطی یا تابوی پربسامد حالتی است که در آن بخشی از یک زبان تابو می‌شود. به عبارت دیگر، برخی از واژه‌های زبان تابو شده و محدودیت کاربردی پیدا می‌کنند. در تمام جوامع برخی از رفتارها و اعمال جنبه منفی دارند، به همین نسبت نیز واژه‌هایی که برای بیان این‌گونه رفتارها به کار می‌روند نیز جنبه منفی پیدا می‌کنند، مانند «آروغ‌زدن»، «استفراغ کردن» و ... در زبان فارسی.

باید توجه کرد که تابو یا پرهیز از کاربرد کلمات در فرهنگ‌ها و زبان‌های مختلف متفاوت است. به عبارت دیگر، پرهیز از کاربرد یک واژه ممکن است به دلایل مذهبی، خرافی، احترام فردی یا نگرش اجتماعی نسبت به اعمال جسمانی یا سایر مسائل باشد. این‌گونه عقاید به هیچ‌وجه به جوامع به اصطلاح ابتدایی محدود نمی‌شود و در فرهنگ‌های معاصر نیز وجود دارد. در زبان فارسی نیز برخی از واژه‌های مربوط به اعضای بدن، برخی از کارها، واژگان عامیانه و واژه‌های معمول مشاغل سطح پایین و ... حالت تابویی دارند، مانند «خیک» (به معنی چاق) و ... خودداری از تلفظ بعضی کلمات برای پرهیز از تأثیر شوم آن‌ها نیز موجب متروک شدن الفاظ می‌گردد، مثلاً نام جانوران گزنده و خطرناک در بسیاری از مناطق ایران در شب برده نمی‌شود؛ از جمله، در نائین که نام شبانه عقرب «نوم نبر» است، یعنی آنچه نامش را نباید برد. در این نوع تابوشدگی، افراد، به نشانه احترام، از تلفظ نام‌های معینی پرهیز می‌کنند و به جای آن‌ها القاب یا نام‌های خوشایند به کار می‌برند (Fromkin, 1983)؛ مانند استفاده از واژه «سوتین» به جای «کُرت»، «دست شویی» به جای «دست به آب».

روش پژوهش

جامعه آماری پژوهش حاضر را ۵۴۰ نفر از گویشوران زبان ترکمنی در شهر گنبد کاووس تشکیل می‌دهند. آزمودنی‌ها به لحاظ جنسیت در دو گروه (زن و مرد) و به لحاظ سن در سه گروه سنی (۲۵-، ۲۵-۴۰ و ۴۱+) قرار می‌گیرند. روش پژوهش به صورت میدانی انجام گرفته و به منظور گردآوری داده‌ها از دو روش پیمایشی (پرسش‌نامه) و مشاهده مشارکتی استفاده شده است. در مجموع، ۵۴۰ پرسش‌نامه و در بخش مشاهده مشارکتی نیز جمعاً ۱۰۰ مورد مشاهده جمع‌آوری گردیده است.

توصیف و تحلیل داده‌ها

متغیرهای زبانی پژوهش حاضر دشواژه‌هایی هستند که گاه در زبان عامیانه در گفتار مردم به کار می‌روند. ۶ دشواژه مورد بررسی در این تحقیق درحقیقت در سه گروه (دشواژه‌های مورد استفاده در گروه مردان، دشواژه‌های مورد استفاده در گروه زنان و دشواژه‌های مورد استفاده در هر دو گروه زنان و مردان) جای می‌گیرند.

تحلیل داده‌ها براساس پرسش‌نامه

دشواژه‌های مورد استفاده در گروه مردان. چون آمار مربوط به دو دشواژه گروه مردان، یعنی «دیوٹ» و «مادرفاوا»، به هم‌دیگر نزدیک است، در این بخش، تنها به بررسی آمار دقیق‌تر دشواژه «دیوٹ» می‌پردازیم. همان‌طور که در جدول ۱ مشاهده می‌شود، میزان کاربرد این دشواژه در میان گویشوران مرد کمی بیش‌تر از گویشوران زن است. به‌طوری‌که زنان گروه سنی ۲۵-۴۰ اصلاً این دشواژه را به کار نمی‌برند و میزان کاربرد این دشواژه در میان دو گروه سنی ۲۵- و ۴۱+ بسیار پایین است. در میان گویشوران مرد نیز تنها ۱/۲ افراد گروه سنی ۲۵- این دشواژه را به‌میزان خیلی زیاد به کار می‌برند و میزان کاربرد این دشواژه در میان مردان دیگر گروه‌های سنی پایین است.

جدول ۱. درصد کاربرد دشواژه «دیوٹ» به تفکیک جنسیت و سن گوینده

مرد					زن					جنسیت
اصلاً	کم	متوسط	زیاد	خیلی زیاد	اصلاً	کم	متوسط	زیاد	خیلی زیاد	میزان کاربرد سن
۸۸/۵	۹	۱/۳	۰	۱/۲	۹۸/۹	۱/۱	۰	۰	۰	-۲۵
۹۰	۷/۸	۱/۱	۱/۱	۰	۱۰۰	۰	۰	۰	۰	۴۰-۲۵
۸۷/۲	۱۲/۸	۰	۰	۰	۹۸/۵	۱/۵	۰	۰	۰	+۴۱

آن تعداد اندکی از آزمودنی‌ها، که این دشواژه را در گفتار خود به کار می‌برند، نشان داده‌اند که، در کاربرد آن، جنسیت مخاطب نقش تعیین‌کننده‌ای دارد و در جدول ۲ درصد کاربرد نوع جنسیت مخاطب برحسب جنسیت و سن گویندگان آمده است. همان‌طور که در بالا گفته شد، گویشوران زن ۲۵-۴۰ ساله دشواژه «دیوٹ» را اصلاً

تهمینه شیخی ۱۷

به کار نمی‌برند. در دو گروه سنی دیگر نیز، زنان این دشواژه را برای هر دو گروه جنسیتی زن و مرد (گزینه هردو) به کار می‌برند. به عبارت بهتر، نوع جنسیت مخاطب تأثیر چندانی در کاربرد این دشواژه ندارد و این دشواژه برای هر دو گروه به کار می‌رود. در میان گویشوران مرد موضوع متفاوت است، به طوری که مردان سه گروه سنی این دشواژه را اصلاً برای مخاطب زن به کار نمی‌برند و در اکثر موارد آن را به مخاطب مرد نسبت می‌دهند.

جدول ۲. درصد نوع مخاطب در کاربرد دشواژه «دیوٹ» به تفکیک جنسیت و سن گوینده

جنسیت		زن			مرد	
سن	نوع مخاطب	زن	مرد	هر دو	زن	مرد
		-۲۵	۰	۰	۱۰۰	۰
۲۵-۴۰		۰	۰	۰	۸۷/۹	۱۱/۱
+۴۱		۰	۰	۱۰۰	۷۲/۷	۲۷/۳

آن تعداد از آزمودنی‌هایی که این دشواژه را در گفتار خود به کار نمی‌برند، دلایل عدم کاربرد این دشواژه را به شرح زیر بیان کرده‌اند (جدول ۳). همان‌طور که در جدول مشاهده می‌نمایید، زنان و مردان، در هر سه گروه سنی، به میزان بالایی دلیل عدم کاربرد این دشواژه را «مؤدبان نبودن» آن عنوان کرده‌اند و زنان بیش‌تر از مردان معتقدند که این دشواژه مربوط به جنس مخالف است.

جدول ۳. درصد دلایل عدم کاربرد دشواژه «دیوٹ» به تفکیک جنسیت و سن گوینده

جنسیت		زن			مرد		
سن	دلایل عدم کاربرد	عادت نکرده‌ام	مربوط به جنس مخالف است	مؤدبان نیست	عادت نکرده‌ام	مربوط به جنس مخالف است	
		-۲۵	۱۴/۶	۴/۵	۸۰/۹	۱۲/۵	۰
۲۵-۴۰		۱۳/۳	۵/۶	۸۱/۱	۱۴/۸	۱/۲	۸۴
+۴۱		۱۲/۴	۱۱/۲	۷۶/۴	۲۴	۱/۳	۷۴/۷

همان‌طور که در جدول‌های ۱، ۲ و ۳ مشاهده می‌نمایید، دشواژه «دیوٹ» در میان مردان بیش از زنان به کار برده می‌شود. درصد بالایی از گویشوران هر سه گروه سنی این دشواژه را برای مخاطب مرد به کار می‌برند و زنان به میزان بیش‌تری معتقدند که این دشواژه مربوط به جنس مخالف است. بدین ترتیب نتیجه می‌گیریم که این دشواژه به‌درستی در گروه دشواژه‌های مردان قرار داده شده است.

دشواژه‌های مورد استفاده در گروه زنان. در این گروه، دو دشواژه «بی‌حیا» (= بی‌حیا) و «کثافت» را بررسی کردیم که در این بخش به بررسی دقیق‌تر کاربرد دشواژه «کثافت» می‌پردازیم.

همان‌طور که در جدول ۴ مشاهده می‌شود، میزان کاربرد این دشواژه در میان هر سه گروه سنی گویشوران زن بیش‌تر از گویشوران مرد است. در هر دو گروه جنسیتی زن و مرد، آزمودنی‌های گروه سنی ۲۵- بیش‌تر از دیگر گروه‌ها و آزمودنی‌های گروه سنی ۴۱+ کم‌تر از دیگر گروه‌ها از این دشواژه استفاده می‌کنند.

جدول ۴. درصد کاربرد دشواژه «کثافت» به تفکیک جنسیت و سن گوینده

جنسیت		زن					مرد				
سن	میزان کاربرد	خیلی زیاد	زیاد	متوسط	کم	اصلاً	خیلی زیاد	زیاد	متوسط	کم	اصلاً
		۲۵-	۱۲/۲	۱۶/۷	۲۸/۹	۲۴/۴	۱۷/۸	۶/۶	۱۰	۲۵/۶	۲۸/۹
۲۵-۴۰	۱۲/۲	۸/۹	۲۴/۴	۳۲/۲	۲۲/۳	۵/۵	۷/۸	۲۱/۱	۳۵/۶	۳۰	
۴۱+	۰	۵/۶	۲۲/۲	۳۴/۴	۳۷/۸	۱/۱	۴/۴	۱۲/۲	۳۱/۱	۵۱/۲	

آن تعداد از آزمودنی‌ها که دشواژه «کثافت» را در گفتار خود به کار می‌برند نشان داده‌اند که، در کاربرد آن، جنسیت مخاطب نقش تعیین‌کننده‌ای دارد. در جدول ۵، درصد کاربرد نوع مخاطب برحسب جنسیت و سن گویندگان آمده است. در هر دو گروه زنان و مردان، مخاطب «هر دو» (هم زن و هم مرد) بالاترین درصد را به خود اختصاص داده است. تنها ۱/۲ از زنان گروه سنی ۴۱+ این دشواژه را برای مخاطب مرد به کار می‌برند و زنان دیگر گروه‌های سنی اصلاً این دشواژه را برای مخاطب مرد به کار نمی‌برند. مردان نیز به میزان کمی این دشواژه را برای مخاطب مرد به کار می‌برند و درصد کاربرد این دشواژه برای مخاطب زن و هر دو (در گروه مردان) به یک‌دیگر نزدیک است.

جدول ۵. درصد نوع مخاطب در کاربرد دشواژه «کنافت» به تفکیک جنسیت و سن گوینده

مرد		زن		جنسیت		
هر دو	مرد	زن	هر دو	مرد	زن	نوع مخاطب سن
۴۶/۲	۷/۷	۴۶/۱	۸۹/۲	۰	۱۰/۸	-۲۵
۴۸/۱	۳/۸	۴۸/۱	۸۰	۰	۲۰	۴۰-۲۵
۶۱/۷	۱/۲	۳۶/۲	۶۱/۷	۱/۲	۳۶/۲	+۴۱

آن تعداد از آزمودنی‌هایی که این دشواژه را در گفتار خود به کار نمی‌برند دلایل به کار نبردن این دشواژه را به شرح زیر بیان کرده‌اند (جدول ۶). درصد بسیار پایینی از زنان عنوان کرده‌اند که این دشواژه مربوط به جنس مخالف است. اما این میزان در میان گروه مردان افزایش یافته، یعنی مردان زیادی، به‌خلاف زنان، معتقدند که دشواژه «کنافت» متعلق به جنس مخالف است. گروه زنان، در هر سه گروه سنی، به‌میزان بالایی دلیل عدم کاربرد این دشواژه را «مؤدبانه‌بودن» آن عنوان کرده‌اند. در هر سه گروه سنی از مردان، میان درصدهای حاصل از دو دلیل «عادت نکرده‌ام» و «مؤدبانه نیست» نزدیکی وجود دارد.

جدول ۶. درصد دلایل عدم کاربرد دشواژه «کنافت» به تفکیک جنسیت و سن گوینده

مرد		زن		جنسیت		
مؤدبانه نیست	مربوط به جنس مخالف است	عادت نکرده‌ام	مؤدبانه نیست	مربوط به جنس مخالف است	عادت نکرده‌ام	دلایل عدم کاربرد سن
۴۶/۲	۷/۷	۴۶/۱	۸۱/۲	۰	۱۸/۸	-۲۵
۴۸/۱	۳/۸	۴۸/۱	۸۰	۰	۲۰	۴۰-۲۵
۵۵	۱/۳	۴۳/۷	۶۱/۷	۱/۲	۳۶/۲	+۴۱

همان‌طور که در جدول‌های ۴، ۵ و ۶ مشاهده می‌شود، میزان کاربرد دشواژه «کنافت» در میان زنان بیش از مردان است. تنها ۱/۲ درصد از زنان این دشواژه را برای مخاطب مرد به کار می‌برند و میزان کاربرد این دشواژه برای مخاطب زن افزایش یافته است. مردان نسبت به زنان به میزان بیش‌تری معتقدند که این دشواژه مربوط به جنس مخالف

۲۰ بررسی کاربرد دشواژه‌ها در گفتار گویشوران زبان ترکمنی

است. بدین ترتیب نتیجه می‌گیریم که این دشواژه به‌درستی در گروه دشواژه‌های زنان قرار داده شده است.

دشواژه‌های مورد استفاده در هر دو گروه زنان و مردان. در این گروه به بررسی کاربرد دو دشواژه «سیقر» (θəGɪr) (= گاو) و «سام‌سیق» (θamθIG) (= احمق) در گفتار آزمودنی‌ها پرداخته شده است.

همان‌طور که در جدول ۷ نشان داده شده، مردان بیش‌تر از زنان این دشواژه را در گفتار خود به‌کار می‌برند. در گروه مردان، افراد گروه سنی ۲۵- بیش‌تر از همه این دشواژه را می‌گویند و در دیگر گروه‌های سنی، با افزایش سن، میزان کاربرد آن کاهش می‌یابد و این امر نشان می‌دهد که در گروه مردان میزان کاربرد این دشواژه با افزایش سن رابطه معکوس دارد. در گروه زنان، گروه سنی ۴۱+ بیش‌تر از همه و گروه سنی ۲۵- کم‌تر از دو گروه دیگر دشواژه سام‌سیق را در گفتار خود به‌کار می‌برند.

جدول ۷. درصد کاربرد دشواژه «سام‌سیق» به تفکیک جنسیت و سن گوینده

مرد					زن					جنسیت
اصلاً	کم	متوسط	زیاد	خیلی زیاد	اصلاً	کم	متوسط	زیاد	خیلی زیاد	میزان کاربرد سن
۱۵/۶	۲۸/۹	۲۵/۵	۲۰	۱۰	۳۰	۲۶/۷	۳۰	۱۰	۳/۳	۲۵-
۱۸/۹	۳۶/۷	۲۶/۷	۱۳/۳	۴/۴	۳۶/۷	۲۶/۷	۲۵/۶	۷/۸	۳/۲	۴۰-۲۵
۲۲/۲	۳۶/۷	۲۶/۷	۸/۹	۵/۵	۱۵/۶	۴۴/۴	۳۱/۱	۸/۹	۰	۴۱+

آن تعداد از آزمودنی‌ها که این دشواژه را در گفتار خود به‌کار می‌برند نشان داده‌اند که، در کاربرد آن، جنسیت مخاطب نقش تعیین‌کننده‌ای دارد. در جدول ۸ درصد کاربرد نوع مخاطب برحسب جنسیت و سن گویندگان آمده است. همانند دیگر دشواژه‌ها، در این‌جا نیز گزینه هردو (هم زن و هم مرد) بالاترین درصد را به خود اختصاص داده است. نکته جالب توجه در این قسمت آن است که هر دو گروه زنان و مردان این دشواژه را برای مخاطب غیر هم‌جنس خود به میزان بسیار کمی به‌کار می‌برند. به‌طوری‌که، در گروه زنان، هیچ‌کدام از آزمودنی‌ها این دشواژه را برای مخاطب مرد به‌کار نبرده است و تنها ۱/۴ درصد از مردان این دشواژه را برای مخاطب زن به‌کار برده‌اند.

جدول ۸. درصد نوع مخاطب در کاربرد دشواژه «سامسیق» به تفکیک جنسیت و سن گوینده

مرد			زن			جنسیت
هر دو	مرد	زن	هر دو	مرد	زن	نوع مخاطب / سن
۷۷/۶	۲۲/۴	۰	۸۸/۹	۰	۱۱/۱	-۲۵
۷۹/۴	۱۹/۲	۱/۴	۹۴/۷	۰	۵/۳	۴۰-۲۵
۸۴/۳	۱۵/۷	۰	۹۲/۱	۰	۷/۹	+۴۱

آن تعداد از آزمودنی‌هایی که این دشواژه را در گفتار خود به کار نمی‌برند دلایل عدم کاربرد این دشواژه را به شرح زیر بیان کرده‌اند (جدول ۹). هیچ‌کدام از آزمودنی‌های زن و مرد معتقد نیستند که این دشواژه متعلق به جنس مخالف است. در گروه زنان، درصد بالاتری از آزمودنی‌ها دلیل استفاده نکردن از این دشواژه را «مؤدبانه نبودن» آن عنوان کرده‌اند. در حالی که در گروه مردان، به غیر از آزمودنی‌های گروه سنی +۴۱، دلیل عدم کاربرد آن، گزینه «عادت نکرده‌ام» بوده است.

جدول ۹. درصد دلایل عدم کاربرد دشواژه «سامسیق» به تفکیک جنسیت و سن گوینده

مرد			زن			جنسیت
مؤدبانه نیست	مربوط به جنس مخالف است	عادت نکرده‌ام	مؤدبانه نیست	مربوط به جنس مخالف است	عادت نکرده‌ام	دلایل عدم کاربرد / سن
۴۲/۹	۰	۵۷/۱	۷۷/۸	۰	۲۲/۲	-۲۵
۴۷/۱	۰	۵۲/۹	۷۲/۷	۰	۲۷/۳	۴۰-۲۵
۵۵	۰	۴۵	۵۷/۱	۰	۴۲/۹	+۴۱

همان‌طور که در جدول‌های ۷، ۸ و ۹ مشاهده می‌شود، هر چند میزان کاربرد دشواژه «سامسیق» در میان مردان بیش‌تر از زنان است، درصد کاربرد این دشواژه بین دو گروه زنان و مردان به یک‌دیگر نسبتاً نزدیک است. هر دو گروه از آزمودنی‌های زن و مرد ترجیح می‌دهند این دشواژه را برای مخاطب هم‌جنس خود به کار ببرند. هیچ‌کدام از آزمودنی‌های زن و مرد معتقد نیستند که دشواژه کثافت مربوط به جنس مخالف است. بدین ترتیب، نتیجه می‌گیریم که این دشواژه به‌درستی در گروه دشواژه‌های زنان و مردان قرار داده شده است و به گروه جنسیتی خاصی تعلق ندارد.

تحلیل داده‌ها براساس مشاهده

۱. دشواژه «بی‌حایا» را بیش‌تر زنان و مردانی ادا می‌کردند که مخاطبشان زن بود. مشاهده‌گر موردی را که این دشواژه برای مخاطب مرد به‌کار برود مشاهده نمود.

نمونه:

مکان: خیابان؛ گوینده: دختری ۲۲ ساله؛ مخاطب: زنی حدوداً ۳۰ ساله که در خیابان با صدای بلند حرف می‌زد و می‌خندید.

۲. به‌نظر می‌رسد دو دشواژه «سیقر» و «سام‌سیق» تقریباً به‌نسبت مساوی توسط زنان و مردان به‌کار می‌رود و جنسیت مخاطب نیز در این مورد اهمیت چندانی ندارد.

نمونه:

مکان: خیابان؛ گوینده: مردی ۵۵ ساله؛ مخاطب: مردی حدوداً ۴۰ ساله که نمی‌توانست به‌خوبی رانندگی کند.

۳. به‌نظر می‌رسد دشواژه «کثافت» در میان گویشوران زن و نیز گویشوران گروه سنی ۲۵- به‌نسبت بیش‌تری به‌کار می‌رود.

نمونه:

مکان: منزل یکی از دوستان؛ گوینده: زنی ۳۰ ساله؛ مخاطب: دختری ۱۶ ساله که بی‌اجازه از وسایل او استفاده کرده است.

۴. دو دشواژه «مادر قاوا» و «دیوٹ» به‌نسبت دیگر دشواژه‌ها کاربرد کم‌تری دارند. این دشواژه‌ها را در اکثر موارد گویشوران مرد به‌کار می‌برند. در مواردی که این دو دشواژه را گویشور زن به‌کار برده، گویشور قصد مزاح و تقلید گفتار مردانه را داشته است.

نمونه:

مکان: تاکسی؛ گوینده: مردی ۴۰ ساله؛ مخاطب: مردی حدوداً ۳۵ ساله.

نتیجه‌گیری

۱. میزان کاربرد اکثر دشواژه‌ها در میان گروه مردان بیش‌تر از زنان است.
۲. میزان کاربرد دشواژه‌ها در میان آزمودنی‌های گروه سنی ۲۵- از همه بیش‌تر و در میان آزمودنی‌های گروه سنی ۴۱+ از همه کم‌تر است.
۳. در کاربرد دشواژه‌های مربوط به گروه زنان، تفاوت‌هایی مشاهده شده است. مثلاً،

دشواژه «بی‌حیا» بیش‌تر توسط مردان به‌کار می‌رود ولی نوع مخاطب این دشواژه را بیش‌تر گروه زنان تشکیل می‌دهند؛ درحالی‌که دشواژه «کثافت» بیش‌تر توسط زنان به‌کار می‌رود ولی نوع مخاطب این دشواژه را اکثراً هر دو گروه زنان و مردان تشکیل می‌دهند.

۴. دشواژه‌های گروه مردان، یعنی «دیوث» و «مادرقاوا»، را بیش‌تر گروه مردان به‌کار می‌برند ولی نوع مخاطب در دشواژه «دیوث» را گروه مردان و در دشواژه «مادرقاوا» را گروه هردو (زنان و مردان) تشکیل می‌دهند.

۵. دو دشواژه گروه زنان و مردان، یعنی «سیقر» و «کثافت»، را بیش‌تر آزمودنی‌های مرد به‌کار می‌برند و نوع مخاطب هر دو را نیز گروه هردو (زنان و مردان) تشکیل می‌دهند.

۶. نوع مخاطب (زنان) تنها در دشواژه «بی‌حیا» درصد نسبتاً بالایی (۵۳/۴) را به‌خود اختصاص داده است و در بقیه دشواژه‌ها نوع مخاطب (زنان) درصد بسیار پایینی داشته است. (دشواژه سیقر: ۴/۱، دشواژه کثافت: ۱۱/۹، دشواژه مادرقاوا: ۰/۴، دشواژه سام‌سیق: ۶/۳ و دشواژه دیوث: هیچ‌کدام از آزمودنی‌ها این دشواژه را برای مخاطب زن به‌کار نمی‌برند.)

۷. در اکثر دشواژه‌ها، آزمودنی‌ها دلیل عدم کاربرد آن دشواژه را «مؤدبانه‌نبودن» آن عنوان کرده‌اند.

در پایان به‌منظور یافتن پاسخ برای پرسش‌های پژوهش از آزمون خی دو (Chi Square) در نرم‌افزار SPSS استفاده گردید. چون عدد به‌دست آمده از آزمون خی دو کوچک‌تر از ۰/۰۱ است، می‌توان گفت که بین میزان کاربرد دشواژه‌ها و متغیر غیرزبانی جنسیت ارتباط معناداری وجود دارد.

در آزمون خی دو به‌عمل آمده بین گروه‌های سنی و میزان کاربرد دشواژه‌ها نیز، عدد به‌دست آمده کوچک‌تر از ۰/۰۱ است؛ پس نتیجه می‌گیریم میان میزان کاربرد دشواژه‌ها و سن گویشوران زبان ترکمنی ارتباط معناداری وجود دارد.

منابع

آرلاتو، آنتونی (۱۳۸۴). *درآمدی بر زبان‌شناسی تاریخی*، ترجمه یحیی مدرسی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

ابهریان آزادی، سلماز (۱۳۸۹). «بررسی تطبیقی دشواژه‌ها و به‌واژه‌ها در فارسی و ترکی آذربایجانی»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، رشته زبان‌شناسی، دانشگاه الزهرا (س).

شکیبا، نوشین (۱۳۸۱). «تأثیر بافت اجتماعی بر کاربرد دشواژه‌ها توسط زنان و مردان تهرانی»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، رشته زبان‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی.
فروید، زیگموند (۱۳۵۱). *توتم و تابو*، ترجمه محمدعلی خنجی، تهران: طهوری.
مدرسی، یحیی (۱۳۶۸). *درآمدی بر جامعه‌شناسی زبان*، تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
معدنی، میترا (۱۳۷۸). «مروری اجمالی بر تابوی زبانی و انواع آن»، *مجله زبان‌شناسی*، س ۱۴، ش ۱ و ۲.

- Cameron, P. (1969). "Frequency and Kinds of Words in Various Social Settings, or What the Hell is Going on?", *Pacific Sociological Review*, 12.
- Fasold, R. (1990). *The Sociolinguistics of Language*, Oxford: Blackwell Publishers.
- Fromkin, V. and R. Rodman. (1983). *An introduction to Language*, New York: Holt, Rinehart and Winston.
- House, J. (2005). "Politeness in Germany", in L. Hickey & M. Stewart (eds.), *Politeness in Europe*, Clevedon: Multilingual Matters.
- Modarresi Tehrani, Y. (2009). "Changes in the Markers of Politeness and Power in Iranian Culture and the Persian Language", *Journal of Iranian Studies (Iran Kenkyu)*, Vol.5.
- Shen, Y. I. (1993). "Cultural Influence on Language Usage: Cases of Taboo", *Paper Presented at the Annual Meeting of American Council on the Teaching of Foreign Language*, 27th, San Antoni, TX. November.
- Wardhaugh, R. (1992). *An Introduction to Sociolinguistics*, Oxford: Basil Blackwell.

